



رئیس سازمان خصوصی‌سازی:

ناچاریم و ناگزیر

■ هلی رضایی‌زاده

رئیس سازمان خصوصی‌سازی در واکنش به نقش کم‌رنگ مردم و بخش خصوصی در ۵ سال اجرای اصل ۴۴، واگذاری ۴۰۰ شرکت در یک سال را اقدامی عاجزکننده و در عین حال، ناگزیر می‌داند؛ چه اینکه اصل ۴۴ قانون اساسی هر چند فقط محدود به واگذاری‌ها نیست و دو بند الف و ب آن هم از اهمیت بالایی برخوردارند، اما به دلیل واگذاری بیش از ۵۳۱ شرکت بزرگ و کوچک و البته کسب درآمد بیش از ۸۵ هزار میلیارد تومانی که با حاشیه‌ها و چالش‌هایی هم در ۵ سال گذشته همراه بوده، طبیعی است که همه نگاه‌ها از مردم تا مسئولان به سوی سازمان خصوصی‌سازی و مدیران آن باشد. این سازمان دهه اول عمر خود را سپری می‌کند. تاکنون ۵ رئیس به خود دیده که آخرین آن پیمان نوری پروجردی است که از اوایل شهریور سال گذشته جانشین غلامرضا حدیری کردزنگنه شد، اما با گذشت ۱۰ ماه از حضور او تفاوت دیدگاه رئیس فعلی با قبلی کاملاً آشکار است. تازه‌ترین گفت‌وگوی رئیس سازمان خصوصی‌سازی ایران را بخوانید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

■ ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ در حالی پنجمین سالگرد خود را پشت سر گذاشت که بیش از ۱۰ ماه از زمان حضور شما در سازمان خصوصی‌سازی به عنوان رئیس جدید می‌گذرد. به عنوان نخستین سوال، چه ارزیابی‌ای از اجرای این اصل مهم در ۵ سال گذشته دارید و به نظر شما چه فرصت‌ها، تهدیدها و چالش‌هایی در این مدت ایجاد شده است؟

مجموع حرکت رو جلو بود.

حاصل این واگذاری‌ها از نظر کمی این است که از مرز ۸۵۰ هزار میلیارد ریال (۸۵ هزار میلیارد تومان) گذشته‌ایم. پس از نظر کمی عدد بزرگ است. همچنین در قبال این حجم واگذاری‌ها و تجارب موجود، کیفیت واگذاری‌ها هم مطلوب بوده و انتظار می‌رود این تلاش‌ها در جهت رشد و تعامل باشد.

■ یعنی فصل پنجم.

بله. اما برخی کل اصل ۴۴ و سیاست‌های موجود را مترادف با خصوصی‌سازی می‌دانند که بصراحت می‌گویم، چنین نیست. باقی فصل‌ها و نهادها هم باید درست و به‌موقع اجرا شوند و عمل کنند تا ما هم در کنار تالو کار آنها بتوانیم نشو و نمای این قسمت (واگذاری‌ها) را ببینیم.

اما چالش‌های پیش رو که باید به آنها توجه کرد، شامل چند موضوع است، اول اینکه به اعتقاد شخصی و کارشناسی من که قابل بحث و بررسی و نقد است، روح این قانون و سیاست‌ها، مردمی‌سازی اقتصاد است. یعنی اینکه مردم و اکثریت جامعه بتوانند در فرصت‌های اقتصادی حاصل از خصوصی‌سازی با توان، لیاقت و تخصص مشارکت بیشتری داشته باشند. این را بصراحت می‌گویم و به آن اعتقاد دارم که اگر سیاست‌های اصل ۴۴ آن طور که منویات مقام عظمای ولایت است و در قانون با برخی کم و کاستی‌ها هم پیش‌بینی شده اجرا شود، شرایط

■ با این اوصاف، از مسیر طی شده اصل ۴۴ طی ۵ سال راضی هستید؟

بله. رضایت دارم. یعنی اعداد و ارقام به گونه‌ای است که آنچه در ید و اختیار این قانون بوده، در برابر دستاورد حاصله قابل دفاع است، اما یک نکته را نباید فراموش کرد و آن این است که از مجموع سیاست‌های اصل ۴۴ فقط یک فصل آن مربوط به خصوصی‌سازی کشور است.

طی ۵-۴ سال اخیر تلاش مجدانه‌ای در رابطه با اصل ۴۴ انجام شده است. در این رابطه باید چند نکته را بگویم، اول اینکه بذری که چند سال پیش کاشته شد، سن و سال ۴-۵ ساله دارد و در زمان خود به عنوان نخستین تجربه در سطح خود بود، چرا که هر چند در گذشته هم خصوصی‌سازی‌هایی انجام شده بود، محدود بود و به سطح عمق اصل ۴۴ نبود. به مرور که جلوتر رفتیم، این اصل به همراه آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های آن دچار تغییراتی شد و در



حدود ۱۰۰ شرکت فروخته شد. اما اگر بخواهیم خبر را به درستی منعکس کنیم، باید بگوییم ۳۰۰ شرکت عرضه شد و برخی هم سه چهار بار اما خریداری نداشت، اینکه چرا خریداری نداشت، بحث دیگری است ولی عرضه‌ها اتفاق افتاده است.

پس بخشی از این مطلب که مردمی سازی به طور کامل انجام نشده، مربوط به واگذاری شرکت‌ها به شبه‌دولتی‌ها در نتیجه رد دیون‌هاست، ضمن اینکه اگر همه بازارهای مالی دنیا را جست‌وجو کنید، صندوق‌های بازنشستگی جزء فعالان بازارهای سرمایه‌اند.

■ اما نه با ساختارها و سیستم‌های موجود در کشور.

احسنست. آنها به جای مدیریت شرکت‌ها، پرتفوی گردانی می‌کنند. از واگذاری ۴۰۰ شرکت در یک سال عاجزیم، اما چاره‌ای نداریم.

■ اگر هم مدیری دارند، توسط مشمولان و بازنشستگان صندوق‌ها انتخاب می‌شوند، نه از سوی دولت، بنابراین مباحث مربوط به خلاءها و نواقص قانون مربوط به حضور شبه‌دولتی‌ها را همگان می‌دانند، اما در این میان بحثی وجود دارد. شما وقتی به عنوان رئیس سازمان خصوصی‌سازی منصوب شدید، در نخستین مصاحبه‌ای که با هم داشتیم، اعلام کردید، خصوصی‌سازی به مانند هواپیمایی است که نباید حرکت آن متوقف شود اما به یک سری اصلاحات و تعمیراتی نیاز دارد. حال با گذشت ۱۰ ماه از حضور شما چه کارهایی انجام دادید تا اصل ۴۴ حداقل بهتر از گذشته حرکت کند؟

برخی از این تغییرات درون‌سازمانی و برخی هم برون‌سازمانی است. همان‌طور که گفتم، سازمان خصوصی‌سازی سازمان وظیفه‌ای است. برای مثال، تلاش‌هایی با آقای فولادگر در کمیسیون ویژه اصل ۴۴ مجلس انجام دادیم و مشکلات و محدودیت‌هایی را در موارد مربوط به واگذاری‌های بلوک و غیربلوک تضادهایی وجود دارد، بررسی کردیم، به طوری که به فرض در عرضه یک بلوک ۱۵ یا ۲۰ درصدی سهام یک پالایشگاه به ارزش ۳۰ - ۲۰ هزار میلیارد ریال آیا می‌توان انتظار داشت بخش خرد و خصوصی جامعه حضور داشته باشد؟

■ نه، چون بخش واقعی نداریم، یا اگر هم هست، قدم پیش نمی‌گذارد.

درست است. از آن طرف می‌گوییم به جای عرضه بلوکی این ۱۵ یا ۲۰ درصد تمایل به عرضه خرد و عام آن داریم که در این صورت، برخی از گروه‌ها به دلیل برخورداری از بنیه مالی اقدام به جمع‌آوری سهام عرضه شده در بازار می‌کنند و موفق به اخذ یک کرسی هیئت مدیره در آن شرکت می‌شوند که قیمت این بلوک با

جامعه است. پس به معنای واقعی مردمی‌سازی اقتصاد اتفاق افتاده اما گام‌های بعدی هم اهمیت بسزایی دارد.

در این میان، بخشی از واگذاری‌ها را شبه‌دولتی‌هایی مانند تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی گرفته‌اند که فارغ از اینکه به عنوان کارشناس بگویم این عمل درست است، یا نه بگذارید از زاویه دیگری نگاه کنم. دولت محترم در لایحه بودجه رقمی را بابت رد دیون این گونه سازمان‌ها پیش‌بینی می‌کند. برای مثال، در لایحه بودجه سال ۹۰ تقدیمی به مجلس رقم واگذاری‌ها به رد دیون‌ها ۷۰ هزار میلیارد ریال بود که دوستان ما در مجلس این رقم را به ۱۰ هزار میلیارد ریال افزایش دادند. یعنی ۳ هزار میلیارد ریال در مجلس اضافه شد.

در حالی قانون بودجه به سازمان خصوصی‌سازی ابلاغ شد که فرض کنید به عنوان رئیس سازمان، اعتقاد دارم واگذاری به شبه‌دولتی‌ها نباید اتفاق بیفتد. اما اگر بر اساس این اعتقاد به قانون ابلاغی عمل نکنم آیا فکر می‌کنید فردا من گناهکار خواهم بود و باید جواب بدهم؟

پس تا زمانی که در قانون بودجه کشور، قانون‌گذار رقمی را برای رد دیون پیش‌بینی می‌کند، همه ما به عنوان مردان قانون وظیفه داریم این کار را انجام دهیم. چون اگر انجام ندهیم، کار خلاف قانون کرده‌ایم. پس اشکال از سازمان خصوص‌سازی نیست که سازمانی وظیفه‌ای محسوب می‌شود. در قانون بودجه می‌گویند واریز ۴۵ هزار میلیارد ریال به خزانه؛ سمعا و طاعتا. باید تلاش کنیم این رقم محقق شود. چون اگر قانون ابلاغ شد، باید آن را انجام دهیم، اما اگر عرضه‌ها به این رقم نرسید، اعلام کنم که تلاش‌ام را کرده‌ام.

اما برخی از دوستان نمی‌آیند این را بگویند. در عوض، می‌گویند در سال ایکس مثلاً در سال ۸۸

اقتصادی کشور به مراتب بهتر و بهتر خواهد شد.

■ جذب تخصص و مشارکت و پس‌اندازهای مردمی موضوعی مهم و از جمله اهداف دو بند ب و ج اصل ۴۴ قانون اساسی است، اما چرا از حجم واگذاری ۸۵ هزار میلیارد تومان بیش از ۴۵ درصد، یعنی ۳۴ هزار میلیارد تومان، سهام به سهام عدالت واگذار شد و بخشی از این حجم قابل توجه در بورس عرضه نشد تا مردم بیشتری به طور مستقیم سهامدار شرکت‌های اصل ۴۴ باشند. از طرف دیگر، ۹۵ درصد واگذاری‌ها هم به صورت بلوک و نه خرد و تدریجی بود. بنابراین یکی از ایرادهای اجرای ۵ ساله اصل ۴۴ عدم مشارکت حداکثری مردم و بخش خصوصی واقعی به دلیل نحوه واگذاری‌ها و حضور پر قدرت شبه‌دولتی‌ها و نهادهای عمومی است. در این رابطه چه توضیحی دارید؟

همان‌طور که گفتم، از نظر کمیت و حجم واگذاری‌ها شرایط مطلوب بود، چرا که ارقام واگذاری‌ها نجومی بوده و می‌تواند یک اقتصاد را متحول کند. حتی برای خارجی‌ها هم باور آن سخت است.

اما چالش‌هایی که اشاره کردید. روح قانون چه بود؟ مردمی‌سازی و افزایش مشارکت عمومی. در این قانون اما چند چالش پیش روی ما قرار دارد. اول، همان‌طور که گفتید، از کل واگذاری‌ها حدود ۴۵ درصد به سهام عدالت تخصیص داده شده است. سهام عدالت یعنی چه؟ یعنی ۸ - ۳۷ میلیون نفر از افراد جامعه مشمول دریافت سهام شدند. خود این یکی از خصوصی‌سازی‌های جدی محسوب می‌شود. می‌خواهم بگویم اگر این عمل ابتر نماند و قدم‌های بعدی هم برداشته شود، بیش از ۴۰ درصد از واگذاری‌ها دست تک افراد

امکان اخذ یک کرسی هیئت مدیره با قیمت سهام خرد آن قابل مقایسه نخواهد بود. در واقع از جمع‌آوری خرد سهام، طی مدت کوتاهی سود مثلاً ۱۰ تا ۳۰ درصدی نصیب خریداران آن می‌شود.

■ خب چه اشکالی دارد؟ آیا این سود باید حتماً نصیب دولت شود؟

این نکته درست، اما سازمان خصوصی‌سازی که رأساً تصمیم به واگذاری شرکت‌ها نمی‌گیرد. چون هیئت واگذاری مسئول آن است. در این رابطه بروید و تحقیق و تفحصی هم بکنید. از روز اولی که آمده‌ام، می‌گویم که سازمان خصوصی‌سازی سازمانی وظیفه‌ای است. من ارزش‌گذاری و قیمت‌گذاری و ضرب و تقسیم می‌کنم و می‌گویم A ریال برای واگذاری در فلان زمان و آن را به هیئت واگذاری می‌برم.

می‌دانید که در این هیئت هم به عنوان رئیس سازمان خصوصی‌سازی حق رأی ندارم، بلکه موضوع را به مباحثه می‌گذارم تا با صلاحدید هیئت تصمیم‌گیری شود که درست است. چون قیمت بلوک با قیمت خرد سهام فرق می‌کند، چون سهام خرد توان تصمیم‌گیری و اخذ حداقل یک کرسی هیئت مدیره شرکت‌ها را به همراه ندارد و قدرت اعمال ندارد، اما سهام بلوک این توان را دارد که مثلاً ۲۰ درصد بالای قیمت عرضه می‌شود. بعد هم هیئت واگذاری معتقد است در واگذاری‌ها باید جانبداری دولت را بکنیم.

■ بعد از مدت‌ها بالاخره با نظر آقای فولادگر مشخص شد پاشنه آشیل اصل ۴۴ نگاه درآمدی دولت به آن است، بر خلاف خصوصی‌سازی در کشورهای نظیر آلمان. به عنوان کسی که جلودار اصل ۴۴ بوده و همه انگشت‌های انتقاد و گاه اتهام به سمت شما و سازمان خصوصی‌سازی است، نمی‌خواهید و سعی نکردید در این ۱۰ ماه این نگاه درآمدی دولت و مسئولان را به نگاه حمایتی از اصل ۴۴ و صنایع و اقتصاد تغییر دهید؟ آیا در این خصوص کارهایی کرده‌اید؟

چرا امکان ندارد؟ اگر مصاحبه‌های قبلی مرا ببینید، خواهید دید در آن نقدی نیست که به واگذاری ۴۰۰ شرکت در یک سال نکرده باشم، چون این تعداد شرکت حتماً ما را از اجرای دیگر اقدامات لازم عاجز می‌کند. باید کمی منصفانه به هم نگاه کنیم. ۴۰۰ شرکتی است که هم پالایشگاه دارد؛ نیروگاه دارد؛ زهکشی و آبیاری دارد؛ دانش بنیان دارد؛ نانو تکنولوژی دارد؛ فوتبال دارد؛ خدا خیرتان بدهد. می‌بینید چقدر تنوع دارد؟ این حاکی از چیست؟ حاکی از آن است که در حالی دیگر کشورها آن هم با اختیارات بیشتر سالانه دو سه شرکت واگذاری می‌شوند که در ایران ۴۰۰ شرکت با تنوع زیاد و زمان محدود باید واگذار شوند. آن هم در شرایطی که هر سه چهار ماه به مجامع شرکت‌ها برمی‌خوریم. پس با محدودیت‌هایی که داریم، چه انتظاری دارید؟

برخی کل اصل ۴۴ و سیاست‌های موجود را مترادف با خصوصی‌سازی می‌دانند که بصراحت می‌گویم، چنین نیست... روح این قانون و سیاست‌ها، مردمی‌سازی اقتصاد است. یعنی اینکه مردم و اکثریت جامعه بتوانند در فرصت‌های اقتصادی حاصل از خصوصی‌سازی با توان، لیاقت و تخصص مشارکت بیشتری داشته باشند. این را بصراحت می‌گویم که اگر سیاست‌های اصل ۴۴ اجرا شود، شرایط اقتصادی کشور به مراتب بهتر و بهتر خواهد شد

آیا من تا هیئت واگذاری تصمیم‌گیری نکنم، می‌توانم واگذاری را انجام دهم؟ حتماً نه. یعنی نمی‌شود شرکتی خارج از تصمیم هیئت واگذاری به فروش برسد.

پس یک مجرای ما دوستان هیئت واگذاری هستند. بنابراین کاری جز اینکه اطلاع‌رسانی و مذاکره کنیم و به دوستان تصمیم‌گیر در اصلاح قانون مطالبی را بگوییم، چه کار دیگری می‌توانیم انجام دهیم؟ وقتی با ادبیات خاص خودم می‌گویم که تعجب‌آور است که علی‌رغم اینکه پرتفوی ما روز به روز در حال افت است و دیگر شرکتی مانند مخابرات نداریم.

■ اتفاقاً در حالی آقای کردزنگنه به این نکته پاسخ داده که با توجه به واگذاری ۸۵ هزار میلیارد تومان دارایی دولت، تاکنون از حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان کل دارایی حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان دیگر باقی مانده و باید شرکت‌هایی مانند ذوب آهن، هلدینگ خلیج، پالایشگاه‌ها و شرکتی مانند ملی گاز که هم اندازه مخابرات است، واگذار شوند.

تعهداتی را که در بودجه دیده می‌شود، باید در کنارش مقایسه کنید. زمانی بودجه می‌گذارند مثلاً ۱۰۰ هزار تا و زمانی می‌گذارند ۳۰۰ هزار تا. نکته اینجاست که باید به ادامه داستان هم توجه کرد. همان‌طور که پرتفوی ما رو به جلو می‌رود و مثلاً پالایشگاه‌ها را واگذار می‌کنیم، آیا پالایشگاه‌های دیگری هم موجود خواهد شد؟ پس طرف ۵ سال حدود ۷۰۰ تا ۸۵۰ هزار میلیارد ریال واگذار شده اما همین امسال در بودجه ۹۰ دولت واگذاری ۳۶۷ هزار میلیارد ریالی لحاظ شده است. یعنی نصف کل واگذاری‌ها را یک ساله از ما توقع دارند.

این نکته را دوستان باید توجه کنند که متوسط واگذاری‌ها در این ۵ سال سالانه حدود هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان بود. اگر همین میزان برای سال ۹۰ بود، اشکالی نداشت، نه اینکه ۳۶ هزار میلیارد تومان.

■ پس چرا از سازمان خصوصی‌سازی

نمی‌روید؟ نه شما و نه هر کس دیگری هم باشد، نمی‌تواند این حجم از واگذاری‌ها را در عرض یک سال انجام دهد. درست است؟ احسن.

■ پس چرا این مسئولیت را قبول می‌کنید و یا اعلام نمی‌کنید که نمی‌شود و از سازمان خصوصی‌سازی خداحافظی نمی‌کنید؟

این گونه نیست. ما حرفمان را می‌زنیم و ادعایمان و تلاشمان را هم می‌کنیم. من چه گفتم؟ گفتم تا زمانی که قانون به تصویب نرسیده بود و در کمیسیون‌ها مطرح بود، گفتیم دستیابی به این ارقام با این شرایط امکان‌پذیر نیست. چون یادمان باشد اگر هلدینگ‌های گاز و پتروشیمی و پالایشگاه‌ها آماده بودند و مورد اقبال سرمایه‌گذاران هم بودند، پس چرا زودتر واگذار نشدند؟ پس هر چه جلوتر می‌رویم، آن دسته شرکت‌هایی باقی می‌ماند که گیرها و سختی‌های بیشتری دارند. شما نمی‌توانید با مجموعه خطوط نفت و گاز کشور شوخی کنید.

■ یعنی واگذاری این شرکت‌ها از فروش مخابرات و بانک‌ها هم سخت‌تر و حساس‌تر است؟

بله. حتماً. چون موضوع نفت و گاز کشور است. بنابراین اگر از واگذاری مخابرات و بانک‌ها بیشتر نباشند، کمتر از آنها هم نیستند. این را دوستان نفتی باید بگویند، اما من می‌گویم. اگر یک تلمبه گاز بخوابد، کل شبکه دچار مشکل خواهد شد. چیز ساده‌ای نیست که امروز تصمیم‌گرفته شود و فردا شرکت‌های گاز و پالایشگاه واگذار شوند. این‌گونه نیست. در این رابطه باید بگویم با دوستان نفت جلساتی برگزار کردیم و سعی کردیم آنها را قانع کنیم. حتی خیلی جاها ابرام کردیم. اما اعتقاد این است که وقتی شد قانون، حتماً باید در این داستان اجرا کننده قانون بود.

ما تلاش خودمان را می‌کنیم. نگاه کنید سال گذشته برای اولین بار واریز به خزانه به حدود ۹۰ درصد رسید. امسال هم بنده عین ۴۵ هزار میلیارد ریال را به حساب خزانه خواهیم ریخت.

■ اما در این میان ۱۲۰۰ میلیارد تومان مربوط به اقساط فروش ۷۸ هزار میلیارد تومانی مخابرات، به جز بانک‌ها و دیگر شرکت‌هاست که در گذشته واگذار شده‌اند.

درست. بخشی از آن مربوط به تلاش‌های گذشته است. اما اینکه بیایم و خط‌کشی کنیم که این کار مال کارهای فلان کس بوده، شدنی نیست. چون امروز من تلاش می‌کنم و فردا نفر بعدی می‌آید و از کاشته‌های من برداشت می‌کند. در عین حال، من که نمی‌توانم به خودم نمره بدهم، بلکه این دیگران هستند که باید درباره ما قضاوت کنند در این داستان. چون اگر کسی ادعا کند، هیچ ایرادی ندارد همین ادعا یک ایراد بزرگ است.